

جامد

شخصی که از مال امانت و یا عاریت گذاشته نزد خود، منکر شود.
پښتو: [جامد]

جار ملاصق

همسایه ای که ملکیت وی از یک و یا چند جهت با ملکیت شخص دیگر پیوست باشد. پښتو: [ملاصق جار]

جاسوس

شخصی که اطلاعات یا اسناد یا نقشه های نظامی، ساختمان ها، تاسیسات نظامی، سیاسی، اقتصادی کشوری را بصورت غیر قانونی جمع آوری نموده و در اختیار گروه ها، سازمانها و یا کشور متخاصم و بیگانه قرار میدهد.
پښتو: [جاسوس]

جاسوسی

عملی که شخص اسرار نظامی، سیاسی یا کلید رمز را برخلاف مصالح و منافع کشور به شخص غیر و یا کشور بیگانه طور محرم، شفاهی و یا کتبی بسپارد.
پښتو: [جاسوسی]

جاعل

شخصی که مرتکب جعل گردیده باشد. (رجوع شود به جعل).
پښتو: [جاعل]

جایز القبول

دفاع معقول و قابل قبول نزد محکمه. پښتو: [جایز القبول]

جائفه

جراحی که با هر وسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلو انسان وارد شود.
پښتو: [جائفه]

جبران از خطای قضایی

جبران خطایی که، قاضی در اصدار حکم خویش، مرتکب آن گردیده و سبب رسیدن ضرر به طرفین دعوی شده باشد.
پښتو: [د قضائی خطا جبران]

جبران خساره

پرداخت تاوانی که در صورت عدم ایفای یک وجیهه تعاقدی لازم گردد. به عبارت دیگر نوعی از مؤیدات مدنی که بعد از تثبیت ضرر لازم میگردد.

پښتو: [د خساری جبران]

جبران خساره نقدی

مبلغی از نقود که معادل ضرر وارده، پرداخته میشود.
پښتو: [د نقدی جبران خساره]

جد صحیح

جدی که در سلسله قرابت آن با شخص، زن واقع نشده باشد.
پښتو: [صحیح جد]

جد غیر صحیح (پدر مادری)

جدی که انتساب او به میت توسط مونث صورت گیرد.
پښتو: [نا دښتینی نیکه (د مور پلار)]

جدات

مادر کلان ها.
پښتو: [جدات]

جدار

دیواری که بین دو ملکیت، منحصی حد قبول شده باشد.
پښتو: [جدار]

جده صحیح (مادر پدری)

جده ای که انتساب او به میت توسط جد صحیح شود.
(مراجعه شود به جد صحیح).

پښتو: [دښتینې انا (د پلار مور)]

جده غیر صحیح

جده ای که توسط جد غیر صحیح به میت منسوب گردد.
(مراجعه شود به جد غیر صحیح).
پښتو: [نا دښتینې انا]

جراح

شخصی که به اساس مسلک به عمل جراحی، در محل از قبل تثبیت شده می پردازد.
پښتو: [جراح]

جرایم آنی

جرمی که عنصر مادی آن دریک مدت زمان کوتاه تشکیل می یابد. پښتو: [آنی «فوری» جرمونه]

جرایم اعتیادی

جرایمی که از تکرار فعل بوجود آمده و نوع آن بر اساس نص قانونی تعیین میگردد. پښتو: [اعتیادی جرمونه]

جرایم اقتصادی

جرمی که بمنظور کسب مفاد مالی و یا منفعت مسلکی ارتکاب می یابد. پښتو: [اقتصادی جرمونه]

جرایم بسیط

جرایمی متشکل از یک فعل مؤقت یا مستمر. پښتو: [بسیط جرمونه]

جرایم ترافیکی

جرایمی که از حوادث ترافیکی ناشی شده، یا تخلف از قوانین و مقررات ترافیکی بوده باشد. پښتو: [ترافیکی جرمونه]

جرایم تروریستی

ارتکاب اعمال جرمی به منظور تحت تاثیر قرار دادن سیاست دولت، موسسات و سازمان های ملی یا بین المللی، یا بی ثبات ساختن نظام دولتی. پښتو: [تروریستی جرمونه]

جرایم جنسی

تماس جنسی در محل غیر مجاز.

پښتو: [جنسی جرمونه]

جرایم جنگی

جرایمی که در زمان وقوع یا ادامه جنگ های داخلی یا بین المللی به نحوی صورت گیرد که ناقض یکی از اصول و قواعد حقوق بین المللی ناظر بر جنگ باشد. پښتو: [جنگی جرمونه]

جرایم ذهنی

جرایمی که بر منافع حقوق معنوی، تعرض و تجاوز صورت گیرد. پښتو: [ذهنی جرایم]

جرایم ساده

جرمی که عنصر مادی آن از یک عمل واحد بمیان آمده باشد. پښتو: [ساده جرمونه]

جرایم سازمان یافته

عمل گروهی که دارای ساختار یک پارچه و متحد بوده و هدف اساسی آن بدست آوردن منفعت مادی از طریق فعالیت های غیر قانونی میباشد. پښتو: [سازمان موندلی جرمونه]

جرایم سیاسی

تمام اعمال و اقداماتی که هدف آنها سرنگونی نظام موجود حاکم باشد. پښتو: [سیاسی جرمونه]

جرایم (تخلفات) صنفی

جرایم و تخلفاتی که در نتیجه تخلف از اصول و مقررات یک صنف مشخص شغلی است. پښتو: [صنفي جرمونه (سرغروڼې)]

جرایم ضد آداب عامه

اعمال خلاف موازین پذیرفته شده اجتماعی.

پښتو: [د عامه آدابو ضد جرمونه]

جرایم ضد منفعت عامه

جرایمی که بر ضد منافع عامه ارتکاب شده باشد. (رجوع شود به منافع عامه). پښتو: [د عامه منافع ضد جرمونه]

جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی

جرایمی که موضوع آن اخلاق و عفت عمومی بوده، و به نحوی از انحا آنرا مورد تعرض قرار داده باشد. پښتو: [پراخلاقو او عفت باندې جرمونه]

جرایم علیه اشخاص

جرایمی که علیه تمامیت جسمانی و روانی اشخاص صورت گیرد. پښتو: [پراشخصو باندي جرمونه]

جرایم علیه امنیت خارجی

جرایمی که به حاکمیت دولت از بیرون کشور صدمه می رساند. پښتو: [د خارجي امنیت پر ضد جرمونه]

جرایم علیه امنیت داخلی

جرایمی که علیه حاکمیت دولت در داخل کشور صورت می گیرد. پښتو: [د داخلي امنیت پر ضد جرمونه]

جرایم علیه مناسبات دیپلماتیک

عملی که به نحوی از انحاء، به مناسبات متقابل یک کشور با کشور دیگر صدمه رساند.

پښتو: [د دیپلوماتیکو مناسباتو پر ضد جرمونه]

جرایم علیه نظم عمومی

جرایمی که هدف آن اقدام و تهاجم علیه نظم عمومی بوده و ایجاد اخلال نماید.

پښتو: [د عمومي نظریه وړاندي جرایم]

جرایم عمدی

جرایمی که در ارتکاب یا امتناع عمل، قصد و اراده بطور صریح و مستقیم دخالت داشته باشد.

پښتو: [عمدي جرایم]

جرایم عمومی

جرایمی که مستقیماً مصالح عمومی را مورد تهدید قرار می دهد.

پښتو: [عمومي جرمونه]

جرایم عینی

جرایمی که کشف و اثبات آن به وسیله وسایل علمی امکان پذیر باشد.

پښتو: [عيني جرمونه]

جرایم غیر عمدی

جرایمی که در ارتکاب یا امتناع عمل، قصد و اراده بطور صریح و مستقیم دخالت نداشته باشد.

پښتو: [غیر عمدي جرایم]

جرایم غیر مادی

جرایمی که تحقق آن مقید به حصول نتیجه جرمی نبوده و نفس آن قابل مجازات می باشد.

پښتو: [غیر مادي جرمونه]

جرایم غیر مشهود

جرایمی که در مقابل انظار عامه ارتکاب نیافته یا مدتی از ارتکاب آنها گذشته باشد و بدست آوردن دلایل آن معلوم نباشد.

پښتو: [غیر مشهود جرمونه]

جرایم قابل گذشت

جرایمی که با شکایت شاکی مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و با گذشت آن، تعقیب عدلی متوقف میگردد.

پښتو: [تېرېدونکي جرمونه]

جرایم مادی

جرمی که تحقق آن مقید به حصول نتیجه جرمی باشد.

پښتو: [مادي جرم]

جرایم متوالی

جرایمی که به دفعات مختلف و پی در پی صورت میگیرد.

پښتو: [متوالی جرمونه]

جرایم مخابراتی

جرایمی که شخص ایستگاه ارتباط رادیویی را بصورت غیر قانونی فعال یا به کار برد رادیویی قبل از دریافت اجازه نامه از مرجع مربوط اشتغال ورزد.

پښتو: [مخابراتي جرمونه]

جرایم مرتبط

جرایمی که در زمان واحد به وسیله افعال متعدد به منظور یک هدف واحد ارتکاب می‌یابد. پښتو: [اړوند جرمونه]

جرایم مرکب

جرایمی که عنصر مادی آنها از اجزای متعددی تشکیل می‌یابد. پښتو: [مرکب جرمونه]

جرایم مستمر

جرایمی که عنصر مادی آن توأم با قصد جرمی صورت می‌گیرد و نتایج آن برای یک مدت زمان ادامه می‌یابد. پښتو: [مستمر جرمونه]

جرایم مشابه

جرایمی که در آنها عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم یکسان و همانند باشد. پښتو: [مشابه جرمونه]

جرایم مشهود

جرایمی که در مقابل انظار عامه ارتکاب می‌یابد و یا اینکه بعد از ارتکاب جرم، مرتکب از طرف مردم، پولیس و مجنی علیه تعقیب و دستگیر می‌گردد. پښتو: [مشهود جرمونه]

جرایم مطبوعاتی

جرایمی که توهین و افترا بوسیله روزنامه یا مجله و نشریه به شخص یا اشخاص صورت گیرد. پښتو: [مطبوعاتی جرایم]

جرایم مطلق

جرایمی که برای تحقق آن حصول نتیجه جرمی حتمی و لازمی نیست. پښتو: [مطلق جرمونه]

جرایم مغلق

جرایمی که تحقق آن مستلزم شرایط و عناصر متعدد باشد و در صورت فقدان یکی از عناصر، جرم تحقق پیدا نمی‌کند. پښتو: [مغلق جرمونه]

جرایم مقید

جرایمی که برای تحقق آن حصول نتیجه جرمی حتمی و لازمی پنداشته می‌شود. پښتو: [مقید جرمونه]

جرایم مکرر

تخطی‌ها و جرم‌هایی که رکن مادی آنها از اعمال متعدد و مکرر مجرم تشکیل شده باشد. پښتو: [مکرر جرمونه]

جرایم منافی عفت

جرایمی که موضوع آن تعرض به عفت شخص یا اشخاص باشد. پښتو: [د عفت منافی جرمونه]

جرایم نظامی

جرایمی که ارتکاب آن صرف توسط افراد و منسوبان نظامی صورت می‌پذیرد. پښتو: [نظامی جرمونه]

جرایم یخن سفید

جرایمی که معمولاً از سوی افراد دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی بلند ارتکاب می‌یابد. پښتو: [د سپینو چپنود خاوندانو جرم]

جرح

تجاوز بر سلامت جسمی مجنی علیه بشکلی که سبب قطع یا پاره شدن انساج جسم گردد و مدلول جرح به تسلیخ و حریق نیز توجه می‌گردد. پښتو: [جرح]

جرح بسیط

جرحی که در خلال مدت کمتر از بیست روز شفایاب می‌گردد. پښتو: [بسیط جرح]

جرح خطرناک

جرحی است که در مدت بیشتر از بیست روز شفایاب می‌گردد. پښتو: [خطرناکه جرح]

جرح شاهد

ادعا و اثبات نبود یکی از شرایطی که قانون برای شاهد تعیین نموده، از سوی یکی از طرفین دعوی.

پشتو: [د شاهد جرح]

جرح کشنده (جرح ممیت)

جرحی که آنآ یا فوراً و یا هم به مدت کوتاه بعد از اصابت، سبب مرگ میگردد.

پشتو: [مرگانی جرح (ممیت جرح)]

جرگه

نهاد عنعنوی که برای حل معضلات و مخاصمات و طرح مسایل جدید در جامعه تدویر میگردد. پشتو: [جرگه]

جرم

عملی که قانون آنرا منع کرده یا ترک عملی که قانون آنرا لازم دانسته و بر تخطی از هر یک از آن مجازات مقرر داشته است. پشتو: [جرم]

جرم امنیتی

جرمی که موضوع یا انگیزه و یا نتیجه ارتکاب آن، انهدام یا ایجاد و تزلزل در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور باشد. پشتو: [امنیتی جرم]

جرم بدون مجنی علیه

جرایمی که فاعل جرم از ارتکاب عمل به خودش ضرر رسانیده و قانون عمل را جرم شمرده باشد.

پشتو: [د مجنی علیه پرته جرم]

جرم بین المللی

تخطی یا نقض یکی از قواعد حقوق بین المللی قابل تطبیق بر عملیات جنگی یا حقوق بشر.

پشتو: [بین المللی جرم]

جرم تام

جرمی که عناصر مشکله آن کامل بوده و از آن نتیجه جرم مورد نظر بدست آمده باشد. پشتو: [تام جرم]

جرم جمعی متحد المقصد

جرمی که توسط چند نفر، بطور متوالی به نحوی ارتکاب یابد که فرد، فرد و مجموع آنها هر یک مجرم تلقی میشود. پشتو: [متحدالمقصد تولیز جرم]

جرم در خواب

ارتکاب جرم در خواب، خواه خواب طبیعی باشد یا تلقینی. پشتو: [په خوب کې کرخېدل]

جرم زدایی

محو کردن وصف جرمی بعضی از اعمال جهت کاستن تعداد جرایم و مقابله با تورم جرایم با توجه به پیشنهادات علم کریمولوژی (جرم شناسی). پشتو: [جرم زدایی]

جرم شناس

شخصی که به تحقیق و بررسی جرایم، علل ارتکاب جرم و راهکار های جلوگیری از وقوع جرم می پردازد.

پشتو: [جرم پېژندونکی]

جرم شناسی

علمی که علل و عوامل جرم را مطالعه، راه های بیرون رفت آنرا مشخص میسازد و شخصیت مجرم را شناسائی میکند. پشتو: [جرم پېژندنه]

جرم عقیم

ارتکاب عمل جرمی و عمدی که به علت موجودیت موانع خارجی یا عدم مهارت مرتکب آن بی نتیجه مانده است. پشتو: [عقیم جرم]

جرم غیر قابل گذشت

جرمی که دارای جنبه عمومی باشد و گذشت شاکی باعث متوقف شدن تعقیب آن نگردد.

پشتو: [نه نېرېدونکی جرم]

جرم غیر مادی

جرمی که تحقق آن مربوط و مقید به حصول نتیجه مادی نبوده و نفس آن قابل مجازات باشد.

پښتو: [غیر مادی جرم]

جرم قراردادی

عملی که مطابق قوانین جرم نبوده، بلکه بر مبنای قرارداد، در بین یک کتگوری خاص اشخاص جرم تلقی می‌گردد.

پښتو: [قراردادی جرم]

جرم کمپیوتری

جرمی که با سوء استفاده از کمپیوتر به قصد اختلال در جریان سالم اطلاعات کمپیوتری و به شکل نفوذ و ورود غیر مجاز به شبکه و سایت های کامپیوتری و اینترنتی ارتکاب می یابد.

پښتو: [کمپیوتری جرم]

جرم مانع

جرمی که مجازات آن، مانع وقوع جرم سنگین دیگر می‌گردد. مانند مجازات دریور فاقد جواز راننده گی.

پښتو: [مانع جرم]

جرم متوالی

جرایمی که تمام ارکان و عناصر آن چندین بار ارتکاب یافته باشد.

پښتو: [متوالی جرم]

جرم مربوط به حق الله (حق اجتماع)

جرمی که تعقیب و رسیدگی آن مستلزم شکایت شاکی نبوده و با انصراف وی، تعقیب آن متوقف نخواهد شد.

پښتو: [حق الله (د تولنې حق) پورې مربوط جرم]

جرم مرکب

جرم متشکل از چند عمل متمایز، به نحوی که عمل به تنهایی قابل مجازات نمیباشد.

پښتو: [مرکب جرم]

جرم مرکب سیاسی

جرایمی که از نگاه رکن مادی مربوط جرایم عمومی بوده و از نظر معنوی با هدفی که در ارتکاب آن نهفته است، مربوط جرم سیاسی میباشد.

پښتو: [سیاسی مرکب جرم]

جرم مستحیل

ارتکاب به عملی که حصول نتیجه آن غیر ممکن باشد.

پښتو: [مستحیل]

جرم مستمر پیاپی

جرایمی که تمام ارکان و عناصر آن چندین بار ارتکاب یافته باشد.

پښتو: [مستمر اوپا پرله پسي جرم]

جرم مستمر دایم

جرایمی که ارکان و عناصر آن یکبار تحقق یافته، اما آثار آن در طول مدت زمان ادامه دارد.

پښتو: [دایم مستمر جرم]

جرم مشهود

جرمی که مرتکب حین ارتکاب جرم بالفعل گرفتار گردد و یا بعد از ارتکاب فرار نماید و توسط پولیس، شخص متضرر و یا اشخاصی دیگر تحت تعقیب قرار گیرد.

پښتو: [مشهود جرم]

جرم مشهود حکمی

جرایمی که به موجب قانون در حکم جرایم مشهود قرار داده شده است.

پښتو: [حکمی مشهود جرم]

جرم مطلق

جرمی که مربوط به نتیجه نباشد، بلکه بطور مطلق بدون در نظر داشت بدست آوردن هدف، فاعل جرم محسوب میشود.

پښتو: [مطلق جرم]

جرم مقید

جرمی که حالت تام آن، منوط به تحقق نتیجه مورد نظر قانون گذار میباشد.

پښتو: [مقید جرم]

جروح حاده

جرح هایی که ذریعۀ آلهٔ تیز و برنده صورت میگیرند. پښتو: [حاده جروح]

جروح متفجرات

جرح هایی که در اثر انفجار بمب ها و مواد منفجره بوجود میآید. پښتو: [د متفجراتو زخمونه (جرح)]

جروح ناریه

تمام جرح هایی که از اثر مرمی های مختلفه یا پارچه های سلاح های ثقیله که به جسم اصابت میکند، تشکیل میگردد. پښتو: [ناریه زخمونه]

جریب

واحد قیاسی زمین. پښتو: [جریب]

جریحه دار ساختن عفت عمومی

ارتکاب عملی که در ملاء عام و انظار عمومی ارتکاب یافته و به نحوی از انحاء عفت عمومی را صدمه زند. پښتو: [د عمومی عفت جریحه دار کول]

جریمه

الزام شخص به پرداخت مبلغی که بخاطر زیان و خساراتی که از فعل او متوجه منافع دولت (یا شخص) شده است. پښتو: [مالي جریمه]

جریمه مدنی

الزام شخص به پرداخت جبران خسارات وارده. پښتو: [مدنی جریمه]

جزا

مجازات تعیین شده قانون که به منظور منفعت جامعه در صورت مخالفت از احکام قانون بالای مرتکب جرم تطبیق میشود. پښتو: [جزاء]

جزای عمومی

علمی که از جرایم عمومی بحث مینماید. پښتو: [عمومي جزاء]

جزای نقدی نسبی

مجازاتاتی که اندازه آن براساس واحد و مبنای خاص قانونی محاسبه میگردد. پښتو: [نسبي نقدي جزاء]

جزم

اظهار نظر به صورت قطعی. پښتو: [جزم]

جزیه

پول و یا وجهی که بطور فشار و زور بدون مدرک حقوقی از شخصی اخذ گردد. پښتو: [جزیه]

جسر فاصل

به معنی پل جدا کننده میباشد. پښتو: [فاصل جسر]

جعاله

حالتی که شخص قرار می گذارد در مقابل کاری که برای او انجام میدهد، مال معینی را بدهد. پښتو: [جعاله]

جعل

منقلب کردن حقیقت در سند، به نحوی که موجب ایجاد ضرر و یا نفع غیر قانونی گردد. پښتو: [جعل]

جعل پول

تقلید پول مروجه، تنقیص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن بقسمی که با پول مروجه دیگری که ارزش آن بیشتر باشد، شبیه گردد. پښتو: [د پیسو جعل]

جعل مادی

ساختن اسناد یا مهر و امضاء، خلاف. پښتو: [مادي جعل]

جلاّب

شخصی که بحیث و سیط یا میانه رو که بین مولد و مستهلک قرار دارند. پښتو: [جلاّب]

جلب

ورقه مطبوع که از طرف مراجع ذیصلاح به منظور احضار شخص مطلوب عنوانی مراجع رسمی صادر میگردد. پښتو: [جلب]

جلاّد

جزای تعین شده شرعی، که توسط ضرب دره صورت میگردد. پښتو: [جلاّد]

جلسه

نشست عده ای از اشخاص حقیقی و یا نمایندگان شخصیت های حکمی پیرامون یک یا چند موضوع خاص. پښتو: [غونډه]

جلسه قضائی

نشست قضات پیرامون موضوع دعوی به اساس آجندا مرتبه در محکمه ذیصلاح. پښتو: [قضائي غونډه]

جلسه سری قضایی

جلسه رسیدگی به دعوی، که بنا بر لزوم دید محکمه مطابق به احکام قانون دایر و در آن صرف هیئت قضایی، طرفین دعوی، شهود، اهل خبره و ترجمان حضور میداشته باشند. پښتو: [قضائي پټه (سري) جلسه]

جلسه علنی قضایی

جلسه رسیدگی به دعوی، که در آن علاوه بر هیئت قضایی، طرفین دعوی، شهود، اهل خبره، ترجمان و تعداد دیگری از اشخاص جهت بازدید از جریان محاکمه مطابق احکام قانون حضور می یابند.

پښتو: [قضائي علني جلسه]

جماع

در آروندن قضب (آله تناسلی مذکر) بحالت انتصاب در مهبل که در نتیجه انزال منی صورت میگردد. پښتو: [جماع]

جمع آوری دلایل

اجراآت مقدماتی و حضوری برای دعوی جزایی، که به منظور کشف جرم و تشخیص مرتکب آن صورت میگردد. پښتو: [د دلایلوډاغونډول]

جمعیت خیریه

جمعیتی که برای تأمین اهداف خیریه و یا رفاه اجتماعی جهت استفاده اعضای جمعیت یا سایر اشخاص تاسیس شده باشد. پښتو: [خیریه ټولنه]

جمعیت عام المنفعه

موسسه ای که بمنظور تأمین منافع عامه تاسیس میگردد. پښتو: [د عامه ګټو ټولنه]

جمعیت فرهنگی

جمعیتی که اهداف تأسیس آنرا انکشاف امور علمی، ادبی و هنری تشکیل میدهد. پښتو: [فرهنگي ټولنه]

جمعیت‌های تعاونی

نهادهایی که به اساس مشارکت اشخاص مطابق اساسنامه به شکل غیر انتفاعی بوجود آمده، هدف از ایجاد آنها تأمین و عرضه خدمات اقتصادی قابل دسترسی برای عامه مردم خصوصاً افراد کم درآمد و ناتوان جامعه میباشد. پښتو: [تعاوني ټولنې]

جنایات بر ضد صلح

اقدامات و جنایاتی که صلح و ثبات را معدوم سازند. پښتو: [د صلحې پرضد جنایتونه]

جنايات جنگی

اعمالی که قواعد و مقررات ناظر به عملیات جنگی را نقض نموده باشد. پښتو: [جنگي جنايتونه]

جنايات ضد بشری

جرائمی که مخالف قواعد حقوق انسانی و شئون بشری صورت گرفته باشند. پښتو: [بشری ضد جنايتونه]

جنايت

جرمی که مرتکب آن به اعدام، حبس دوام یا حبس طویل محکوم می گردد. پښتو: [جنايت]

جنايت کاران جنگی

مرتکبین جنایاتی که در جریان جنگ، اقداماتی ضد بشری را علیه افراد ملکی، محلات عامه و مواضع ملکی انجام داده باشند. پښتو: [جنگي جنايت کاران]

جنحه

جرمی که مرتکب آن به حبس بیش از سه ماه الی پنج سال یا جزای نقدی بیش از سه هزار افغانی محکوم گردد. پښتو: [جنحه]

جندر

حالت تساوی حقوق مردان و زنان در زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. پښتو: [جندر]

جنس

اموال مصرفی و غیر مصرفی و تجهیزات. پښتو: [جنس]

جنسیت

به دسته بندی انسان، اشیاء و حیوانات بنابر عمده ترین ویژه گی ذاتی آنها اطلاق میگردد. پښتو: [جنسیت]

جنگل صنعتی

جنگلی که محصولات یا چوب آن به صورت عمده در صنایع استفاده به عمل می آید. پښتو: [صنعتي ځنگل]

جنگل عامه

ساحه یا محل تثبیت شده که به منظور حفظ محیط زیست در تصرف دولت بوده و در مطابقت با احکام قانون تصرف مالکانه اشخاص در آن جواز ندارد. پښتو: [عامه ځنگل]

جنگل مثمر

جنگلی که تولید عمده آن میوه باشد.

پښتو: [میوه لرونکی ځنگل]

جنون

زوال عقل که بنابر عوامل مختلف به وقوع می پیوندد. پښتو: [جنون]

جنون دایمی

حالتی که در آن قوه عقلی و دماغی شخص بطور متداوم مختل میباشد. (رجوع شود به جنون).

پښتو: [دایمي جنون]

جنون دوره ئی

حالتی که شخص گاهی در حالت سلامت روحی و روانی بوده و گاهی دچار جنون و اختلالات عقلی و دماغی می گردد. (رجوع شود به جنون).

پښتو: [دوره ئي جنون (لپوتوب)]

جنون کامل

دیوانگی ایکه فعالیت عادی مغز کاملاً مختل گردیده؛ باعث سلب اراده و قدرت تمییز شخص گردد. پښتو: [کامل جنون]

جنین

علقه که در بطن مادر مستور است. پښتو: [جنین]

جواز

وسيله تخنيکی که به منظور استحصال روغن از محصولات بکار رفته و در حکم غير منقولات می باشد.

پښتو: [جواز]

جواز بانکی

اجازه نامه ای که جهت اشتغال به پیشه، دریافت امانات و سپرده ها یا سایر وجوه قابل بازپرداخت از عموم مردم و اعطای اعتبار و سرمایه گذاری ها توسط د افغانستان بانک به یک شرکت صادر می گردد.

پښتو: [د بانکداری جواز]

جواز جعلی

تجویزی که در مورد یک حرفه یا شغل خلاف واقعیت تعیین شده باشد.

پښتو: [جعلی جواز]

جواز صنفی

ورقه مطبوعی که به منظور انجام فعالیت اصناف مختلف کسبه کاران و صنعت کاران، از طریق مراجع ذیربط در مطابقت به احکام قانون اعطاء می گردد.

پښتو: [صنفي جواز]

جوازنامه وکالت دفاع

سند مطبوع حقوقی که، شکل و محتوای آن از طرف انجمن وکلای مدافع تعیین می گردد.

پښتو: [د دفاع د وکالت جوازلیک]

جواز واردات

اختیار یا اجازه ای که از حکومت به منظور توريد یک متاع گرفته میشود.

پښتو: [د واردولو جواز]

جوی

مسیر حفر شده برای جریان آب، که بشکل خاص و یا عام موجود شده میتواند.

پښتو: [ویاله]

جوی عام

جویی که جهت جریان یافتن آب از انهار عمومی به اراضی زراعتی، خانه ها و یا باغها مورد استفاده عامه مردم قرار میگیرد.

پښتو: [عامه ویاله]

جوی عامه

مسیر حفر شده برای جریان آب، که مورد استفاده اراضی و عامه مردم بدون اختصاص می باشد.

پښتو: [عامه ویاله]

جهالت فاحش

حالتی که در آن نافیهمی از اوصاف و خصوصیات موضوع یک عقد، به میزان قابل ملاحظه ای موجود باشد.

پښتو: [فاحش جهالت]

جهل تقصیری

به معنی اینکه شخص به اساس تقصیر خود، از قانون آگاهی حاصل نمی نماید.

پښتو: [تقصیری جهل]

جهیز

اموالی که زوجه آنرا به خانه شوهر می آورد و پس از جدا شدن از او در مقام مطالبه آن می براید.

پښتو: [جهیز]

جیز گیری

عملی که شخصی پولش را به شخص دیگری، برای انجام فعل قمار، به منظور کسب منفعت برای خودش میدهد. (رجوع شود به قمار).

پښتو: [جیز اخیستنه]